

محکوم علیه با بهره‌گیری از نظارت‌های مؤثر و دقیق مانند نظارت با ابزارهای الکترونیکی فرد مجرم را کنترل کرد و تحت نظر داشت تا مقصود حاصل شود و فرد قوه قاهره‌ای را درک کند که در حال کنترل وی است بدین جهت رفتارهای خود را کنترل می‌کند و اگر رعایت نکرد با نظارت‌های سخت‌گیرانه‌تری رو به رو خواهد شد. همچنین می‌توان به جای مجازات زندان، فرد را ملزم به انجام خدمات عمومی در ساعات معینی کرد. به نحوی که این افراد به سازمان‌های مربوطه مانند شهرداری و غیره معرفی کرد تا آن‌ها در عملیات خدماتی خود از آن‌ها بهره ببرند.

بنابراین لازم است قوانین حبس گرا توسط قوه مقننه با کمک قوه قضاییه اصلاح شود و قوه قضاییه با ارائه نظرات و مستندات خود مبنی بر بی‌فایده بودن زندان برای اکثر افراد حاضر در آن، این رویکرد را تغییر بدهد؛ زیرا زندان حاضر به جای اینکه ندامتگاه و دانشگاه اصلاح‌گری باشد، دانشگاه آموزش جرم شده است. بالاخص در حبس‌های کوتاه‌مدت که به جای غلبه تحقق رویکرد تنبیهی در فرد، آمارها نشان داده تکرار بالاست. در نتیجه در جرایم خرد و کوچک که آثار زیان‌بار اجتماعی کمتری دارند و حقوق جامعه کمتر دچار آسیب می‌شود می‌توانیم از مجازات‌های جایگزین استفاده کنیم.

معایب و مضرات مجازات زندان:

- با زندانی شدن فرد، برجستگی مجرمانه بر وی زده می‌شود که باعث سرخوردگی وی در سطح اجتماعی و جری شدن در انجام جرایم بعدی می‌شود.
- با زندانی شدن فرد، معیشت خانوادگی وی دچار مشکل می‌شود و نه تنها زندگی خودش تحت تأثیر قرار می‌گیرد بلکه باعث صدمه دیدن خانواده‌اش نیز می‌شود و در مواردی خانواده برای تأمین نیازهای اولیه خود به انجام رفتارهای غیرقانونی و غیرشرعی دست می‌زنند.
- با زندانی شدن فرد، بالاخص اگر آن فرد پدر باشد، بحث عاطفی خانواده و انسجام آن دچار مشکل می‌شود و همسر و فرزندان دوراز همسر، خلأ برجسته‌ای در این حوزه احساس می‌کنند که با چیز دیگری پر نمی‌شود.

- با زندانی شدن فرد، وی در کنار سایر مجرمانی قرار می‌گیرد و در کنار آن‌ها، به آموزش نحوه ارتکاب جرم می‌پردازد و این نقض غرض از وضع مجازات زندان است.
- هزینه‌های فراوان برای نظام قضایی جهت نگهداری و رسیدگی به زندانیان از معایب دیگر مجازات زندان است.
- و...

بنابراین اگر کیفر زندان در دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به منظور اصلاح و تربیت در نظر گرفته می‌شود باید با توجه به عوارض و پیامدهای آن و با هدف اصلاحی نه فقط به عنوان مجازات به کار رود و باید به صورت کمینه باشد نه بیشینه.

اما تا زمانی که قوانین به طور کامل اصلاح نشده است می‌توان از ظرفیت‌های ممکن در مجازات جایگزین حبس و نظارت‌های الکترونیکی در سطح موجود بهره برد و از این موقعیت‌ها استفاده حداکثری کرد. همچنین در بحث مدیریت زندان‌ها نیز لزوم مدیریت فعال زندان‌ها با رویکرد اشتغال‌زایی و درآمدزایی درک می‌شود تا هم فرد به طور صحیح اصلاح شود و به سمت جرم نرود و در زندان آموزش‌های شغلی و... را ببیند و از این طریق خانواده‌های زندانیان نیز از ثمره اشتغال و درآمدزایی فرد در زندان استفاده کنند تا فرد آزاد شود و به آغوش خانواده خود برگردد.

۹۹ با نگاه به وضع موجود می‌توان مشاهده کرد که بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب قوه قضاییه، فاصله‌ای معنا دار وجود دارد و اغلب عملکرد قوه قضاییه حاضر، به بندهای ۱ و ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی محدود می‌شود، آن همراه با مشکلاتی و به صورت غیرمطلوب. **۶۶**

۹۹ رویکرد پسینی و منفعل دادستانی در برخورد با موارد نقض حقوق عامه باید به رویکرد پیشینی و فعال تبدیل شود تا از تضییع حقوق عامه جلوگیری شود. **۶۶**

۳. لزوم توجه به احیای حقوق عامه به صورت

پیشینی و فعال نه به صورت پسینی و منفعل

یکی از وظایف محوله به دستگاه قضایی در بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع، است؛ بنابراین قوه قضاییه با تحقق این بند و احیای حقوق عامه باید از تضییع حقوق مردم در هر سطحی است جلوگیری کند. با اینکه در تبیین مفهوم احیای حقوق عامه، مقداری ابهام وجود دارد اما موضوعاتی مانند مبارزه با فساد و سلامت اقتصادی، پیشگیری از وقوع جرم، ارتقا سطح آموزش و پرورش، رفع موانع تولید، قضازدایی، ترک فعل‌هایش که منجر شده به وقوع حوادث بزرگ کلی ملی می‌شود مانند وقوع سیل به دلیل عدم لایروبی توسط مسئولین مربوطه، مبارزه با زمین‌خواری و تعرض به منابع طبیعی و جنگل‌ها، برخورد با گران‌فروشی اپراتورها و عدم توجه به بهداشت و سلامت عمومی، آسیب‌های وارده به محیط‌زیست، گودبرداری‌های فاقد ایمنی در معابر و جاده‌ها و بناهای فرسوده، عدم رعایت مقررات ایمنی در امور حمل‌ونقل و اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی و... می‌تواند از موارد حقوق عامه باشد؛ بنابراین هر جا حقوق مردم نقض شود، می‌توان در قالب حقوق عامه به آن ورود کرد.

اکثر مواردی که قوه قضاییه در آن‌ها از باب احیای حقوق عامه وارد شده است به صورت پسینی بوده است نه پیشینی. با نظارت بر عملکردهای موجود ممکن است از وقوع چنین تضییع حق جلوگیری کرد اما با کم‌کاری و مواجهه منفعل و غیرفعال قوه قضاییه، در بهترین حالت این حوادث پس از اتفاق، بررسی می‌کند.

بنابراین لازم است معاونت احیای حقوق عامه دادستانی کشور، وفق ماده ۲۹۰ آیین دادرسی کیفری: «دادستان کل کشور مکلف است در جرایم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی که نیاز به طرح دعوی دارد از طریق مراجع ذیصلاح داخلی، خارجی و یا بین‌المللی پیگیری و نظارت نماید» و ماده ۲۹۳ همان قانون: «هرگاه در موارد حقوق عامه و دعاوی راجع به دولت، امور خیریه و اوقاف عامه و امور محجورین و غایب مفقودالاثرا